توسل به حضرت زهرا(سلام الله علیها) در سیره بزرگان

اشتراک در شبکه‌های اجتماعی: [1]
آدرس صفحه: http://mava.



[2]

لطفا دستم را بگیرید!

توسل به حضرت زهرا(س) در سیره بزرگان

زینب عباسی/مجله خانه خوبان

قفل باز شد

سیدعباس لاری نقل کرده است: در اوقات تحصیل علوم دینی در نجف اشرف، روزی در ماه مبارک رمضان، طرف عصر افطاری تهیه کرده و در حجره گذاشتم. در حجره را قفل کرده و به خیال اینکه کلید در جیبم هست، رفتم که پس از نماز مغرب و عشا بیایم. وقتی برگشتم و خواستم در حجره را باز کنم، دیدم کلید در جیبم نیست. هرچه گشتم کلید را پیدا نکردم. به واسطهٔ شدت گرسنگی و نیافتن کلید، سخت ناراحت بودم. از مدرسه بیرون آمدم و متحیرانه در مسیر خود تا حرم قدم می‌زدم و به زمین نگاه می‌کردم. ناگهان مرحوم سیدمرتضی کشمیری را دیدم. علت ناراحتی‌ام را پرسید. جریان را برایش نقل کردم.

با من به مدرسه آمد و فرمود: می‌گویند نام مادر موسی(ع) را اگر کسی بداند و به قفل بسته بخواند، آن قفل باز می‌شود. آیا جدة ما فاطمة زهرا(س) کمتر از او است؟! سپس دست در قفل نهاد و فرمود: یا فاطمه الزهراء! یک وقت دیدم قفل باز شد.

امضای بانو

آیت‌الله بهاءالدینی در مقام حضرت زهرا(س) نزد خداوند، پیامبر اعظم و اهل‌بیت(ع) می‌فرمود: «ما می‌دانیم هر چه را حضرت فاطمه(ع) امضا کند، از نظر پیامبر و ائمه(ع)، امضا شده است که هیچ حرفی روی آن نیست». ایشان طعم توسل به حضرت فاطمه(ع) مادرشان را چشیده بودند که چنین می‌فرمودند. نیز نقل شده است که فرمودند: «ما خیلی جوان بودیم؛ شانزده هفده ساله بودیم. یک کسالت بدی پیدا کردیم. نمی‌توانستیم به کسی هم بگوییم. فقط می‌بایست عمل می‌شد. خجالت می‌کشیدیم. شاید مراجعه به دکتر هم نکردیم و خیلی آن کسالت ما را اذیت می‌کرد. توسل به حضرت فاطمه(س) پیدا کردیم و گفتیم خلاصه شما باید ما را مداوا کنید و خوب شد و به کلی آن ناراحتی رفع شد» و در بیانی دیگر گفتند:«حضرت فاطمه(س) همان عملی را که با اعراب بدوی(بیابانی) می‌کردند، با ما کردند؛ آخر اعراب بدوی را خیلی معطل نمی‌کنند و زود جواب آنها را می‌دهند.» (مجلة موعود، شماره 94، ص12)

به نام مادر

امام خمینی(ره) می‌فرمودند: «فاطمه(ع) انسانی است به تمام معنی انسان که اگر مرد بود، به جای رسول اللّه(ص) بود». «امام در مدتی که در نجف اشرف بودند، در تمام شب‌های شهادت معصومین(ع) در منزل‌شان ذکر مصیبت داشتند و به مناسبت شهادت حضرت زهرا(س) این برنامه، سه شب ادامه داشت و گریه کردن و اشک ریختن امام، بدون استثنا در همه این روضه‌خوانی‌ها مشهود بود». روز شهادت حضرت فاطمه(ع) از امام تقاضا شد که در جمع برادران دفتر[در جماران] که مجلسی به همین مناسبت تشکیل داده بودند، حاضر شوند. امام آمدند و نشستند. به مجرد اینکه یکی از برادران شروع به خواندن مصیبت کرد، امام با صدای بلند شروع به گریه کرد... قطرات اشک، همچون دانه‌های مروارید برگونه‌هایشان فرو می‌غلتید.

بیمه بانو

مرحوم آیت‌الله شیخ محمدتقی اصفهانی(مشهور به آقانجفی) فرمودند: در شب نهم محرم 1282 در کربلای معلی مشرف بودم. نصف شب بعد از تهجد، چند دقیقه به خواب رفتم. حضرت زهرا(س) را در خواب دیدم. آن حضرت و جمع کثیری از شیعیان ایستاده بودند و آن مظلومه مصائبی را که بر حضرت علی(ع) از سقیفه وارد شده بود، بیان می‌فرمود و مردم گریه می‌کردند. وقتی ذکر مصیبت تمام شد، مردم متفرق شدند. من به واسطة نسبت و سبب به حضرت محرم هستم؛ بنابراین ایشان نقاب از چهرة خود برداشتند و فرمودند: این اولین مصیبتی است که بر ما اهل‌بیت(ع) وارد شده است؛ شاد مباد چشمی که این مصیبت را بشنود و قلب او محزون و چشم او گریان نشود. آنچه ظلم بر اهل بیت وارد شد، نتیجه ظلمی بود که به واسطه سقیفه وارد شد و بعد فرمودند: در شادی ما و در حزن ما اندوهناک باشید. عرض کردم: چه ثوابی است برای کسی که در مصیبت شما گریه کند؟ فرمودند: گناهان او آمرزیده می‌شود و من در روز قیامت او را شفاعت خواهم نمود. به درستی که هرگاه اهل مشرق و مغرب عالم بر محبت اهل‌بیت(ع) اتفاق می‌کردند و در مصیبت ایشان محزون بودند، هر آینه خداوند جهنم را خلق نمی‌فرمود. به درستی که آتش جهنم بر دوستان اهل‌بیت(ع) حرام است. (درحریم وصال)

مصیبت ماه

از ویژگی‌های علامه امینی(ره) صاحب کتاب الغدیر، عشق و ولای کامل او بود نسبت به آل‌محمد(ع)؛ عشقی وصف‌ناشدنی که می‌توان گفت: «الغدیر» نیز در اثر همین عشق نوشته شد. در مجالس با صدای بلند بر مصائب آل‌محمّد(ع) می‌گریست، به طوری که دیگران و بخصوص اهل منبر و نوحه‌خوانان تحت تأثیر گریة ایشان منقلب می‌شدند، گویا یکی از آل‌محمّد در مجلس است و اگر گوینده مصیبت، نام حضرت زهرا(س) را می‌بُرد، آن‌گاه خون در رگ‌هایش متراکم شده و چونان کسی که ظلم بر ناموس او رفته، فریاد می‌زد و همراه اشك بی‌امان، از چشمانش شعله آتش بیرون می‌زد. (سیمای فرزانگان، ص183)

بیتی از حضرت فاطمه(س)

مرحوم علامه سیدمحمدحسن میرجهانی طباطبایی می‌گوید: درخواب حضرت زهرا(س) را دیدم. خدمت ایشان عرض کردم: احوال شما چطور است؟

بانوی دو جهان در جواب با یک بیت شعر فرمودند:

دلی شکسته تر از من، در آن زمانه نبود

در این زمان، دل فرزند من شکسته‌تر است

از آقا درخواست شد به همین وزن ادامه این بیت را بسرایند. اما آقا از این کار امتناع کردند. (ویژه‌نامه دریای نور)

مادر جان!

یکی از ذاکرین نقل کرده: در محضر **آیت‌الله العظمی سیدمحمدهادی میلانی** بودم. يك مرد و زن آلمانی همراه دختر خود وارد شدند. پس از تعارفات معمول گفتند: ما آمده‌ایم به شرف اسلام نایل شویم، آیت‌الله میلانی فرمودند: علت چه چیز است؟ آن مرد عرض کرد: پهلوی دخترم که در محضر شما نشسته، در حادثه‌ای شکست و استخوان‌هایش خورد شد، چنان‌که پزشکان از معالجه او عاجز شدند و گفتند: باید عمل شود، ولی عمل، خطرناك است. دخترم راضی نشد و گفت: اگر در بستر بمیرم بهتر از آن است که در زیر عمل از دنیا بروم. به هر حال او را به خانه آوردیم. ما يك خدمتکار ایرانی داریم که او را «بی‌بی» صدا می زنیم. دخترم به او گفت: من تمام اندوخته مالی خود را راضی هستم بدهم که صحت به من برگردد، اما فکر می‌کنم باید ناکام و با دل پر غصه بمیرم. بی‌بی گفت: من يك طبیب را سراغ دارم که می‌تواند تو را شفا دهد. گفت: حاضرم تمام پول و موجودیم را به او بدهم. بی‌بی گفت: تمام آنها برای خودت باشد، بدان من علویه‌ام و جده من زهرا(س) است که پهلوی او را به ظلم شکستند. تو با دل شکسته و اشك جاری بگو: «یا فاطمه زهرا! مرا شفا بده». دخترم با دل شکسته شروع کرد به صدا زدن و از آن بانوی معظمه یاری خواستن. بی‌بی هم در گوشه خانه با گریه می‌گفت: «یا فاطمه زهرا، این بیمار آلمانی را با خود آورده‌ام و شفای او را از شما می‌خواهم. مادرجان! کمك کن و آبروی مرا نگه‌دار». من هم از دیدن این واقعه در گوشه حیاط منقلب شدم و گفتم: ای فاطمه پهلو شکسته!

دیدم دخترم قدری ساکت شد. ناگاه مرا صدا زد و گفت: پدر! بیا که دردم ساکت شده. جلو رفتم و دیدم او کاملا شفا یافته است. گفت: الان در بحر بودم، بانوی مجلله‌ای نزدم آمد و دست به پهلویم کشید. گفتم: شما کیستید؟ فرمود: من همانم که او را می‌خوانی. دخترم برخاست و راحت شد و دانستم که اسلام حق است. حالا به ایران آمده‌ایم و به خدمت شما رسیده‌ایم تا مسلمان شویم.

مرحوم میلانی(ره) و حاضرین از این معجزه مسرور شدند و شهادتین و سایر امور اسلامی را به او آموختند و آنان با نورانیت اسلام رفتند. (فضائل الزهراء، ص109)

برچسب‌ها:
شهادت حضرت زهرا(سلام الله علیها)، توسل به حضرت مادر، یا زهرا سلام الله علیها [3]

نشانی منبع:http://mava.iki.ac.ir/node/948

پیوندها
[1]
https://www.addtoany.com/share#url=http%3A%2F%2Fmava.iki.ac.ir%2Farticles%2F%25D8%25AA%25D9%2588%25D8%25B3%25D9%2584-%25D8%25A8%25D9%2587-%25D8%25AD%25D8%25B6%25D8%25B1%25D8%25AA-%25D8%25B2%25D9%2587%25D8%25B1%25D8%25A7-%25D8%25B3%25D9%2584%25D8%25A7%25D9%2585-%25D8%25A7%25D9%2584%25D9%2584%25D9%2587-%25D8%25B9%25D9%2584%25DB%258C%25D9%2587%25D8%25A7-%25D8%25AF%25D8%25B1-%25D8%25B3%25DB%258C%25D8%25B1%25D9%2587-

---

[illegible]

%25D8%25A8%25D8%25B2%25D8%25B1%25DA%25AF%25D8%25A7%25D9%2586&title=%D8%AA%D9%88%D8%B3%D9%84%20%D8%A8%D9%87%20%D8%AD%D8%B6%D8%B1%D8%AA%20%D8%B2%D9%87%D8%B1%D8%A7%28%D8%B3%D9%84%D8%A7%D9%85%20%D8%A7%D9%84%D9%84%D9%87%20%D8%B9%D9%84%DB%8C%D9%87%D8%A7%29%20%D8%AF%D8%B1%20%D8%B3%DB%8C%D8%B1%D9%87%20%D8%A8%D8%B2%D8%B1%DA%AF%D8%A7%D9%86 [2]
http://mava.iki.ac.ir/files/images/articles/10-8.jpg [3]
http://mava.iki.ac.ir/tag/%D8%B4%D9%87%D8%A7%D8%AF%D8%AA-%D8%AD%D8%B6%D8%B1%D8%AA-%D8%B2%D9%87%D8%B1%D8%A7-%D8%B3%D9%84%D8%A7%D9%85-%D8%A7%D9%84%D9%84%D9%87-%D8%B9%D9%84%DB%8C%D9%87%D8%A7-%D8%8C-%D8%AA%D9%88%D8%B3%D9%84-%D8%A8%D9%87-%D8%AD%D8%B6%D8%B1%D8%AA-%D9%85%D8%A7%D8%AF%D8%B1%D8%8C-%DB%8C%D8%A7-%D8%B2%D9%87%D8%B1%D8%A7-%D8%B3%D9%84%D8%A7%D9%85-%D8%A7%D9%84%D9%84%D9%87-%D8%B9%D9%84%DB%8C%D9%87%D8%A7